



Message of ayatollah Seyyed Ali
Khamenei
Leader of The Islamic Republic of Iran

مقوله فهم «نامه رهبری به جوانان اروپا و آمریکا» و وظیفه ما

سیداحسان رئیس الساداتی

نکاتی جهت تحلیل و تبیین نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپای غربی و آمریکا ضروری می باشد.
۱. لزوم توجه بیش از پیش به جوانان خارجی به ویژه آمریکایی و اروپایی
اولین پرسشی که ممکن است در ذهن مخاطب ایجاد شود این است که چرا این نامه خطاب به جوانان اروپایی و آمریکایی نوشته شده است؟ در پاسخ به این پرسش می توان احتمالات گوناگونی داد:

بی شک نامه حضرت آیت الله خامنه‌ای را باید ابتکار عملی خلاقانه در راستای یک دیپلماسی انقلابی از جنس «من انقلابی هستم» جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جوانان دانست.
به محض انتشار نامه، در رسانه‌ها تحلیل‌ها و اظهارنظرهای گوناگونی از طرف نخبگان و اصحاب قلم منتشر شد. عده‌ای درباره نتایج آن نوشتند و عده‌ای نیز آن را کم اهمیت جلوه دادند. فارغ از همه این مسائل، ذکر

یکم: نظر به افزایش موج اسلام ستیزی و به همان میزان ایجاد سوال در ذهن مخاطب غربی درباره اسلام و متعاقب آن افزایش گرایش جوانان اروپایی و آمریکایی به اسلام، بیم آن می رود که در این مسیر مسلمان نمایان و منحرفین از اسلام ناب، از اشتیاق جوانان سوء استفاده کرده و افراط گرایی و تندخویی را به جای اسلام حقیقی به مشتاقان حق و حقیقت معرفی کنند.

دوم: موج تبلیغات رسانه‌های سلفی و وهابی در سایه غفلت و کم کاری مراکز فرهنگی شیعی-داخلی و خارجی، دولتی و غیر دولتی- گرایش جوانان غربی به گروه‌های وهابی و تندرو را افزایش داده است.

سوم: در یک نگاه تمدنی شاید بتوان گفت ورود اسلام حقیقی و ناب محمدی(ص) به اروپا و آمریکا به عنوان کشورهای صاحب تکنولوژی، بیش از پیش باعث رشد اسلام‌گرایی شده و تکنولوژی اومانستی را به تکنولوژی خدمت‌گرایانه و انسان‌ساز تبدیل کرده است.

البته دلایل فوق قطعاً گوشه‌ای از دلایل انتشار این نامه است و مجال توضیح بیشتر فراهم نیست.

۲. لزوم تجهیز کتابخانه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی اروپا و آمریکا به معارف اسلام و اصیل اهل بیت(علیهم السلام)

به اذعان بسیاری از کارشناسان و محققین جای منابع حدیثی و تفسیری شیعه در کتابخانه‌های مهم و بزرگ دنیا خالی است. باید به قدری این منابع در جهان وجود داشته باشد که دیگر هیچ جوانی حتی در دورافتاده ترین و کوچکترین کتابخانه‌های این دنیا مشکلی برای دسترسی به این آثار مکتوب نداشته باشد. البته با گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات گوشه‌ای از این خلاء پر شده است اما به همین میزان، مطالب غلو آمیز و خرافی نیز افزایش پیدا کرده است که باید در این زمینه نیز اقدامات مهمی از سوی مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی صورت پذیرد.

۳. دیپلماسی دولتی یا دیپلماسی مردمی؟

بعد از انتشار نامه رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان غربی و نه دولت‌های غربی، موسسات فرهنگی و انقلابی به طور اعم، و برخی تشکل‌های دانشجویی به طور اخص، با لحنی عتاب آلود، وزارت امور خارجه و دولت را مسئول نشر این نامه دانستند. این اقدام را باید به مثابه شانه خالی کردن از مسئولیتی خطیر توسط این تشکل‌ها و موسسات در انجام وظایفشان دانست. پر واضح است که اگر جنس پیام رهبر معظم انقلاب، دولتی نیست پس نباید انتقال آن نیز توسط دولت صورت گیرد. به دیگر معنا این نامه اگر به هر نحوی برچسب دولتی بر آن قید شود اذهان جوانان غربی به این سمت سوق داده می‌شود که این پیام از سوی «دولت» جمهوری اسلامی صادر شده است و نه رهبر انقلاب اسلامی ایران. اینکه در «ایران» جایگاه رهبر معظم انقلاب یک جایگاه قانونی و حقوقی است از درک مخاطبان پیام خارج است و نباید توقع داشت مخاطب غربی که نامه برای دعوت او به اسلام حقیقی نگاشته شده است بتواند جایگاه واقعی «امام» و «امت» را به درستی درک کند. اگر نامه معظم له قالب دولتی به خود بگیرد، بیم آن می رود که هدف نامه

که تاثیر گذاری بر قلوب جوانان غربی است تحت الشعاع سیاست بازی‌ها و روابط دولت‌ها در عالم سیاست قرار بگیرد.

با این اوصاف، پس وظیفه انتقال این پیام و شرح آن بر عهده چه کسانی خواهد بود؟ قطعاً اتحادیه‌ها و تشکل‌های دانشجویی و حوزوی به عنوان گروه‌های متراکم از جوانان انقلابی، می‌توانند این مسوولیت خطیر را بر عهده بگیرند. ارتباط با مراکز علمی دانشجویی، انجمن‌های علمی دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی، انجمن‌های عدالتخواه و جوان‌گرا در قالب نشست‌های مشترک، برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی و هر قالب دیگری که بتوان به اهداف این پیام کمک نماید، بخشی از راه حل خواهد بود.

۴. لزوم ارتباط و گفتگوی مستمر و تأثیرگذار جوانان ایرانی با جوانان غربی در چارچوب مراکز علمی

نکته دیگری که نباید از آن غفلت کرد لزوم بکارگیری توان نخبگان و استادان دانشگاه‌ها و مراکز علمی است که مقام معظم رهبری از آنها به عنوان «فرماندهان جنگ نرم» یاد کرده اند: «فرماندهان این جبهه باید با شناخت مسائل کلان، شناسایی دشمن و کشف اهداف او، طراحی کلان انجام دهند و براساس این طراحی حرکت کنند.» پس در این مسیر اساتید حوزه و دانشگاه مسوولیت برنامهریزی و طراحی‌های کلان کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت با یک چشم‌انداز واقع بینانه را بر عهده دارند و نمی‌توان با صرف عتاب به وزارت امور خارجه و دیگر مراکز دولتی از مسوولیت‌ها شانه خالی کرد.

۵. استفاده از ظرفیت استادان مسلط به معارف اسلامی و زبان خارجه

نظر به شکل‌گیری مراکز علمی همچون جامعه‌المصطفی العالمیه و تربیت اساتید ایرانی و خارجی مسلط به چند زبان، می‌توان با یک مدیریت صحیح و کاستن از هزینه‌های هنگفت رایزنی‌های فرهنگی در برگزاری نشست‌ها و کنسرت‌های بی محتوا، کرسی‌های نظریه‌پردازی و مناظره را در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و علمی در کشورهای اروپایی ترتیب داد. متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل کمبود بودجه یا هر دلیل دیگری، از استادان مبرز، به درستی استفاده نمی‌شود.

۶. معرفی انقلاب اسلامی به عنوان امتداد نظام ولایت و امامت

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، مسئله «انقلاب اسلامی» و «بیداری اسلامی» است. در بحث معرفی نظام امامت و ولایت، طرح ریزی ولایت مطلقه فقیه به عنوان ادامه راه انبیاء و اولیاء نباید مغفول بماند. باید اهمیت مقوله «رهبری» در خود باوری ملت‌ها و افکار عمومی به ویژه جوانان و معرفی نظام «امام» و «امت» به عنوان تنها راه برون رفت از مشکلات مورد توجه قرار گیرد. تبیین انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگوی یک نظام دینی نیز در این چارچوب ضروری می‌نماید.

در پایان بهتر است با این جمله خاتمه دهیم که: «اگر حماسه‌ساز نیستیم لاقلاً حماسه کش نباشیم!»

منبع: مشرق

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/395569>

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، مسئله «انقلاب اسلامی» و «بیداری اسلامی» است. در بحث معرفی نظام امامت و ولایت، طرح ریزی ولایت مطلقه فقیه به عنوان ادامه راه انبیاء و اولیاء نباید مغفول بماند.